

حزب ملت ایران دفتر اروپایی

کودتای ننگین بیست و هشت مرداد

پنجاه و چهار سال از فاجعه دردناک کودتای ننگین بیست و هشت مرداد می گذرد کودتائی که با طرح و برنامه ریزی دول استعمارگر آن دوران یعنی انگلستان و آمریکا و با سکوت اتحاد جماهیر شوروی ، توسط مزدوران داخلیشان انجام گرفت . با سقوط دولت ملی دکتر مصدق بزرگمرد تاریخ معاصر ایران زمین ، بیست و پنج سال دیکتاتوری وابسته بر کشورمان حاکم گشت لکه ننگی که هرگز از صفحه های تاریخ کهن ما ایرانیان پاک شدنی نخواهد بود. هرچند در این مدت توسط هواداران نظام پیشین کوشش بسیار بعمل آمده است که براین فاجعه ننگین رنگ دیگری بکشند . گاهی آنرا "رستاخیز ملی " !! نامیده اند زمانی به " عا شورا دیگر " تشبیه نموده اند و گروهی هم می گویند گذشته را باید بگذشته سپرد . با اینکه طراحان کودتا به این عمل اهریمنی خود اقرار نموده و آن را تقبیح می نمایند ، حتا محمدرضا شاه در آخرین کتاب خود به نوعی به این خیانت اعتراف نموده است و خواهرگرامیش با صراحت به همکاریش با جاسوسان بیگانه اعتراف می کند ، وقاحت می خواهد که عده ای باسماجت کودتا را تکذیب ویا آنرا " رستاخیز ملی " بنامند.

برای رسیدن به استقلال ، آزادی ، عدالت اجتماعی و رفاه و ترقی لازم است هرملت مبارزی، تاریخ و حوادث سیاسی گذشته کشور خود را بخوبی مطالعه و به یاد داشته باشد و با تجربه آموختن از علت شکست ها و پیروزی ها، راه آینده خود را هموار ساخته و و اشتباهات گذشته را دیگر مرتکب نشود. آن کسانی که می گویند گذشته را باید به گذشته سپرد و به آینده نگریست ، یا از روی سادگی و نادانی است و یا از روی غرض و کینه ورزی . اگر ملت ما بویزه رهبران و سازمان های سیاسی و الیت های جامعه علت شکست انقلاب مشروطه را با آن همه فداکاری و جنبش ملی کردن نفت را با آن همه پشت کار، بخوبی مورد بررسی و مطالعه قرار داده و از آن پند می گرفتند هیچگاه انقلاب بیست و دو بهمن اینگونه با شکست روبرو نمی شد تا هواداران نظام پیشین چنین گستاخانه از پستوها بیرون آیند و زیر نام " مشروطه خواهان " از ملت ایران طلبکارهم شوند . باید از این مدعیان مشروطه خواه پرسید : در آن بیست و پنج سال که کودتای ننگین باعث گردید تا قانون اساسی مشروطه زیر پا گذاشته شود ، هیئت دولت و نمایندگان مجلس و قضاوت قوه قضائیه بجای احترام گذاردن به قانون اساسی که خون بهای پدران ما بود و اجرای کامل آن ، همگی پیرو "منویات ذات اقدس همایونی " شده بودند و جز " فرامین هما یونی " هیچ قانونی در جامعه قابل اجرا نبود ، این بانوان و آقایان کجا تشریف داشتند که پس از مرگ مشروطیت ، امروز به یاد آن افتاده و یقه چاک می دهند؟

در آن بیست و پنج سال حکومت استبدادی، ملیون بودند که زیر نام جبهه ملی جهت اجرای کامل قانون اساسی مبارزه می نمودند که شماری از آنان به جوخه های اعدام سپرده شدند یا به زندان افتاده و یا تبعید گردیدند و یا خانه نشین گشتند، در مقابل آقایان ساکت نشست و تماشاچی آن همه قانون شکنی بودند و لب از لب هم نمی گشودند ولی اکنون که ملت ایران خط بطلان بر نظام پیشین کشیده است به یاد مشروطه سلطنتی در گور خفته افتاده اند.

مسبب و بانی سیه روزی امروز ایران کیست ؟ جز آخرین پادشاه پهلوی و هواداران پر و پا قرصش

باره ها گفته و باز می گوئیم : زمانی که بفرمان "ملوکانه" درب سازمان های سیاسی وسندیکاها کارگری و انجمن های دانشجویی بسته شد و قلم های حق نویس شکسته و دهان آزادیخواهان دوخته گشت و بارها دانشگاه مورد هجوم سربازان و چماقداران حکومتی قرار گرفت تا با سرکوبی دانشجویان آزادیخواه، سکوت مرگبار را بر جامعه حاکم نمایند که دیگر صدای آزادی و عدالت خواهی به گوش ها نرسد و " خاندان جلیل " بر جامعه حاکم و فرمانروا گردد و مردم بخصوص حاشیه نشینان شهرها در بیخبری کامل بسر برده و خیرها پس از گذشتن از صافی ساواک به آگاهی مردم برسد. مردم چاره ای نداشتند جز اینکه به مساجد، حسینیه ها، انجمن های اسلامی و تکیه ها روی آورند تا واژه آزادی و عدالت و مساوات را فقط از این مکان ها که حتا در دور افتاده ترین روستا ها نیز وجود داشت بشنوند و مجبور گردند که ناجی خود را در بین روحانیون بچوبند . زمانی که پادشاه تحصیل کرده فرنگ بچشم خود امام زمان را ببیند و در سفر زیارتی به امامزاده داود از روی قاطر به ته دره سقوط کند و حضرت عباس به دادش برسد و او را در بین زمین و آسمان گرفته و به روی قاطر باز گرداند ووو... ، آنوقت می شود توقع داشت که مردم سخنان رهبران مذهبی را باور نکرده و وعده و وعید های شیرین آنان را ندیده انگارند و پیرو آنان نگردند

آنهایی که با وقاحت تمام، کودتای ننگین بیست و هشت مرداد را " رستاخیز ۲۸ مرداد" میخوانند آیا نمی دانند که برادران رشیدیان، کانون افسران بازنشسته، اوباش و چاقو کشانی چون طیب حاج رضائی - حسن رمضان یخی - اصغر خالدار - ناصر جیگرکی - شعبان بی مخ و... ، زنان بد نامی چون ملکه اعتضادی ها ، پری آجودان قزی ها ... و متأسفانه روحانیونی همچون آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی، سید محمد بهبهانی ، شیخ بهاءالدین نوری، شیخ احمد کفائی خراسانی، حجت الاسلام و المسلمین شمس قنات آبادی و... ، سازمان فدائیان اسلام ، مجمع مسلمانان مجاهد و...

همچنین خود فروختگان سیاسی مانند دکتر مظفر بقائی، حسین مکی، حائری زاده، علی زهری، میر اشرافی ها و... بودند که علیه نهضت ملی ایران وارد میدان شدند تا فرامین کرومیت روزولت فرستاده « پرزیدنت آیزنهاور » را بمرحله اجرا گذارند که با موفقیت هم به انجام رساندند.

در این چند سال محققان و دست اندرکاران و برنامه ریزان خارجی کودتا با مصاحبه ها و انتشار خاطرات خود نقطه ابهامی در این راستا باقی نگذاشته اند. حال چند نفر خود فروخته ایرانی نما برای بدست آوردن دل اربابان، قلم بدست گرفته و علیه دکتر مصدق بزرگمرد تاریخ معاصر ایران مزخرفاتی را سر هم کرده و خود را تاریخ نویس و یا محقق سیاسی معرفی می کنند و با این عمل کثیف آبروی نداشته خود را بیش از پیش برده اند. این خود نشان دهنده این حقیقت است که نام مصدق هنوز دشمنان آزادی و استقلال و عدالت را بوحشت می اندازد چون می بینند ، در هر حرکتی که از سوی جوانان داخل کشور انجام می گیرد از ته دل فریاد بر می آورند:

" مصدق مصدق راهت ادامه دارد "

این حقیقتی است مسلم که تا رسیدن به استقلال ، آزادی ، عدالت اجتماعی راه مصدق ادامه خواهد داشت .

هم میهنان !

با آگاهی دقیق از علل شکست های انقلاب مشروطه، نهضت ملی کردن نفت و انقلاب بیست و دو

دو بهمن، باید دست بدست هم داده و با کمک هم کشور عزیزمان را از ورطه سقوط رها سازیم و تا رسیدن به آزادی و برقراری عدالت اجتماعی در سایه نظامی مردمسالار در کنار هم باشیم و با بینش و درایت کامل اجازه ندهیم در همبستگی ما خللی وارد آورند همانگونه که در سه جنبش گذشته انجام گرفت و ما را به نقطه اول باز گرداند . باید همواره این حقیقت را در نظر داشت که

گذشته چراغ راه آینده است

توجه داشته باشیم ما قبل از هر چیز ایرانی هستیم . آذری ، کرد ، بلوچ ، لر ، ترکمن ، خوزی ، گیلک و مازندرانی و... همه ایرانی و اعضای یک خانواده هستیم و از حقوق مساوی برخوردار بوده و به یکسان ارث می بریم با هر مرام و هر آئینی که داشته باشیم ، مهم ایرانی بودن ماست .

درد بر روان پاک مصدق بزرگ پیشوای نهضت ملی ایران

درد بر روان پاک دکتر حسین فاطمی سردار نهضت ملی ایران

درد بر روان پاک داریوش و پروانه فروهر ادامه دهندگان راه مصدق

درد بر روان پاک تمامی جانبختگان را آزادی و شرف

درد بر کارگران ، معلمان ، دانشجویان مبارز آزادیخواه وزندانیان سیاسی

شنبه بیست و هفتم امردادماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش خورشیدی

دفتر اروپایی حزب ملت ایران